

دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا

سال پنجم، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

## بررسی نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس بر مبنای نظریه نظام‌مند نقشی هلیدی در اشعار قیصر امین‌پور

نسرین فقیه ملک‌مرزبان<sup>۱</sup>

پروانه محبی تبار<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۰/۱۸

### چکیده

بر اساس نظریه هلیدی<sup>۳</sup> (۱۹۹۴)، نام‌گذاری مضامین و انتخاب واژگان، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فرانتش اندیشگانی زبان به‌شمار می‌رود. در پژوهش حاضر، نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس را در شعرهای قیصر امین‌پور بررسی کرده‌ایم؛ بدین منظور، نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس را از شعرهای این شاعر استخراج کرده و آن‌ها را در دو بخش سال‌های دفاع مقدس و سال‌های بعد از دفاع مقدس، به‌صورت جداگانه و در دو حوزه معنایی صریح و ضمنی تفکیک کرده‌ایم.

مقایسه نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در شعرهای آغازین، نام‌گذاری مضامین، با انتخاب‌هایی صریح آغاز شده است؛ ولی پس از آن،

---

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س) nasrinfaghih@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س) pmohebitabar@gmail.com

کم‌کم، انتخاب‌هایی ضمنی مطرح شده است. این گزینش‌های ضمنی در آغاز، با انتخاب‌هایی از فرهنگ سنتی و ادبی صورت گرفته و کم‌کم در سال‌های میانی دفاع مقدس، به انتخاب واژگانی از مسائل اجتماعی رسیده است. در سال‌های پایانی دفاع مقدس، توجه به جنبه‌های عرفانی، بیشتر نمود یافته است. در شعرهای بعد از دفاع مقدس، نام‌گذاری‌ها با نوعی نگاه عرفانی- فلسفی همراه بوده و نام‌گذاری مضامین، بسیار انتزاعی‌تر شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل گفتمان، هلیدی، نام‌گذاری، شعر دفاع مقدس، قیصر امین‌پور.

## ۱. مقدمه

پیش از آنکه وارد مبحث اصلی مقاله شویم، لازم است درباره اصطلاح «تحلیل گفتمان»<sup>۱</sup>، به صورت مختصر توضیح بدهیم.

از نظر اسلمبروک (۱۹۹۸)، زلیک هریس (۱۹۵۲)، نخستین زبان‌شناسی است که اصطلاح تحلیل گفتمان را به کار برد. او در مقاله‌ای، دیدگاهی فرمالیستی را درباره «جمله» مطرح کرد و تحلیل گفتمان را تنها نگاهی صورت‌گرایانه معرفی کرد (خجسته، ۱۳۸۱: ۶۰).

از دهه شصت میلادی به بعد که متن به عنوان واحد بررسی و تحلیل، در زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفت، جامعه‌شناسان و زبان‌شناسانی که به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی علاقه‌مند بودند، مکالمه‌های انسان را که در محیط طبیعی روی می‌دهد، تحلیل کردند و بدین صورت، تحلیل گفتمان آغاز شد (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۸).

برجسته‌ترین نظریه‌پرداز رویکرد نقش‌گرایی، مایکل هلیدی، زبان‌شناسی سازگانی یا نظام‌مند- نقشی را معرفی کرد و سپس این موضوع، به رویکردی موفق در عرصه تحلیل متون

تبدیل شد. در این روی کرد زبان‌شناختی، دو مفهوم اصلی، نهفته است که نام این روی کرد از آن‌ها گرفته شده است: یکی نظام و دیگری نقش. درباره نظام می‌توان گفت هر زبان، نظامی از معانی است که با صورت همراه می‌شود و در واقع، معانی با کمک صورت، تحقق پیدا می‌کنند. درباره نقش، هلیدی دو مفهوم را در نظر دارد: یکی نقش‌های دستوری و دیگری نقش‌های زبانی. این دانشمند همه نقش‌های زبان را نقش‌های اجتماعی دانسته است. هلیدی دستور زبان پیش‌نهادی خود را «دستور نقش‌گرا» نامیده است؛ زیرا چهارچوب مفهومی آن، بیشتر از نوع نقش‌گراست تا صوری. او در تفسیر سه مفهوم متن، نظام و عناصر ساختار زبان‌شناختی، نقش را مد نظر قرار داده است (هلیدی، ۱۹۸۵: xiii).

از نظر هلیدی (۱۹۹۴: xvii)، زبان عبارت از یک نظام معانی همراه صورت‌هایی است که از طریق آن‌ها، معانی تشخیص داده می‌شوند. وی معتقد است زبان، نظامی برای ساختن معانی است و حوزه‌های دستور و معنی‌شناسی، تنها به معانی واژگان محدود نمی‌شود؛ بلکه نظامی کامل از همه معانی موجود در یک زبان است و این معانی را دستور زبان و واژگان، به یک میزان تعیین می‌کنند. در این روی کرد، معانی در قالب عبارت‌پردازی رمزگذاری می‌شوند (هلیدی، ۱۹۹۴: xvii).

در نظریه نظام‌مند-نقشی، مفهوم معنا در سه فرانش نمود می‌یابد: فرانش اندیشگانی، فرانش بینافردی و فرانش متنی. در این تحقیق، فرانش اندیشگانی مورد نظر است که خود دو مقوله دارد: یکی نام‌گذاری<sup>۱</sup> و دیگری ساختار گذرایی<sup>۲</sup>.

الف) نام‌گذاری:

نام‌گذاری و انتخاب واژگانی، یکی از نمودهای ایدئولوژی در زبان فرد است. هلیدی و متیسن<sup>۳</sup> درباره خاصیت و تغییر تجربه‌ها در واژگان از طریق زبان معتقدند: «مسلم است که زبان، تجربه‌های انسان را تعبیر و تفسیر می‌کند. زبان اشیا را نام‌گذاری می‌کند و بعد، آن‌ها را به صورت طبقه‌بندی‌هایی تعبیر و تفسیر می‌کند» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۹).

1. Naming
2. Transitivity
3. Mathiessen

در زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، واژگان، عاملی تعیین‌کننده در ساخت اندیشگانی زبان به‌شمار می‌روند. واژه‌های زبان، نمودی از اشیا، مفاهیم، فرایندها و پیوندهایی هستند که فرهنگ درباره آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. نوع انتخاب واژه‌ها برای نام‌گذاری افراد و اشیا، نشان‌دهنده نوع دیدگاهی است که درباره آن‌ها وجود دارد و نوع واژگان هر فرهنگ نیز بازنمایی جهان را در آن فرهنگ نشان می‌دهد؛ زیرا واژه‌ها براساس نیازهای ایدئولوژیک آن فرهنگ، جهان را بازنمایی می‌کنند (فالر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۸۰).

(ب) ساختار گذرایی:

هلیدی تنها زبان‌شناسی است که گذرایی را در دامنه وسیع کل جملات زبان، تجلی فرانش تجزیه‌ی زبان می‌داند. نظام معنایی و نقش‌هایی که وی لحاظ می‌کند، فراتر از محدوده وجود یا عدم وجود مفعول صریح در جمله است؛ به این لحاظ، هلیدی، با توجه به انواع فرایندها، کل جملات زبان را به سه دسته اصلی و بینابین تقسیم می‌کند (حق‌بین، ۱۳۸۵: ۹۳).

البته تقسیم‌بندی او خارج از هدف‌های این پژوهش است.

در ارتباط کلامی، زبان خنثی نیست؛ بلکه همواره باورها و جهان‌بینی ما را منعکس می‌کند. یکی از متن‌هایی که در آن، زبان با قدرتی بیشتر، باورها را منعکس می‌کند، شعر است. شاعر با انتخاب‌های هدفمند خود از میان واژه‌ها می‌تواند جهان‌بینی خود را به صورتی مؤثرتر انتقال دهد. شعر دفاع مقدس، یکی از متن‌هایی است که تحت تأثیر گفتمان این دوره قرار داشته است و در آن، انتقال جهان‌بینی با استفاده از زبان ادبی، مؤثرتر بوده است. قیصر امین‌پور یکی از شاعران این دوره است که با حضور در نهادهای اجتماعی، گفتمان این دوره را در شعر خود منعکس کرده است. برای تحلیل گفتمان نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس در شعر امین‌پور، شعرهای او را در دو بخش جداگانه شامل شعر دوره دفاع مقدس و شعر دوره بعد از آن دسته‌بندی و تحلیل کرده‌ایم.

## ۲. بررسی فرایند نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس در شعر دوره دفاع مقدس

نام‌گذاری و انتخاب واژگان، یکی از جنبه‌های بازنمایی ایدئولوژی در زبان است. نوع انتخاب واژه‌ها برای نام‌گذاری افراد و اشیا، نوع دیدگاه‌هایی را نشان می‌دهد که درباره آن‌ها وجود دارد. با توجه به سیر تدریجی شعرهای امین‌پور، مضامین دفاع مقدس، در قالب چند مفهوم کلی عبارت‌اند از: جنگ، رزمندگان و سلاح؛ دشمن و افراد بی‌اعتنا؛ رهبری دفاع مقدس؛ شهید، شهادت و... در اینجا، این مضامین را به صورت جداگانه در جدول‌ها آورده و درباره هر یک توضیح داده‌ایم:

### ۲-۱. نام‌گذاری واژگان کلیدی دفاع مقدس با مفاهیم جنگ، رزمندگان و سلاح در شعرهای دوره دفاع مقدس

مطالب این بخش، در جدولی بدین شرح آمده است:

جدول ۱. نام‌گذاری واژگان کلیدی دفاع مقدس با مفاهیم جنگ، رزمندگان و سلاح در شعرهای دوره دفاع مقدس<sup>۱</sup>

حوزه معنایی	عنوان شعر و سال سرایش	نام‌گذاری		مفهوم
		ضمینی	صریح	
صریح	شعری برای جنگ / اسفند ۵۹	-	جنگ	جنگ
صریح	همان	-	جنگ	جنگ
صریح	همان	-	جنگ	جنگ
صریح / قدرت مادی	همان	-	تفنگ	اسلحه جنگ
عرفانی / قدرت معنوی	شعری برای جنگ (۲) / بهمن ۶۰	-	ایمان	اسلحه جنگ

۱. منابع مضامین ذکر شده در جدول‌ها براساس نام شعر آمده و از مجموعه‌های شعری امین‌پور در فهرست منابع انتخاب شده است.

نماد دینی	میراث باستانی / از ۵۹ تا ۶۳	هیمة آتش نمرودیان	-	جنگ
نماد دینی / قدرت معنوی	همان	آزمایش آتش ابراهیم (ع)	-	جنگ
نماد دینی / قدرت معنوی	همان	تبر / میراث باستانی ابراهیم (ع)	-	اسلحه جنگ
عرفانی عاشقانه	شعری برای جنگ (۲) / بهمن ۶۰	نماز عشق	-	نماز شکسته در جهاد
اجتماعی و دینی	همان	نماز مرگ بر آمریکا	-	وجوب مبارزه
عرفانی و حماسی / قدرت معنوی	همان	رویین تنان عشق	-	رزمندگان
عرفانی / قدرت معنوی	بسیج / تنفس صبح تا ۶۳	کلهکشان روشن	-	صف رزمندگان
حماسی و عاشقانه	شوق حرم / تا ۶۳	لشکر عشق	-	لشکر رزمندگان
صریح	سفر / اردیبهشت ۶۱	-	کینه خصم	دین من (رزمنده)
نماد دینی / قدرت معنوی	میراث باستانی / ۵۹ تا ۶۳	همچون ابراهیم (ع)	-	رزمندگان
نماد عرفانی و حماسی	حکم آغاز طوفان / دی ۶۴	تیغ مردان خورشید در مشت	-	اسلحه و رزمندگان
عرفان و حماسه / قدرت معنوی	همان	-	کوله بر پشت و سجاده در پیش	رزمندگان
نماد حماسی و عاشقانه	همان	قومی از زخم و خون / از تبار جنون	-	رزمندگان

سوز و داغ رزمندگان	-	آتش‌طور موسی و مهر محراب زرتشت	همان	نماد عرفانی و حماسی
رزمندگان	-	مُهر پایان مرداب در دست/ حکم‌آغاز طوفان در انگشت	همان	نماد حماسی و عرفانی
ما و وصال ما	-	موج دریا و بریدن از خود	رفتن، رسیدن است/ اسفند ۶۴	نماد عرفانی
ما و هستی ما	-	سایه‌ای ز خویش	همان	عرفانی
تعلقات ما	-	از کال چیدن	همان	استعاره ادبی

## ۲-۲. نام‌گذاری مفهوم‌های دشمن و افراد بی‌اعتنا در شعرهای دفاع مقدس

مفهوم‌های دشمن و افراد بی‌اعتنا هشت بار در شعرهای «میراث باستانی» و «شعری برای جنگ ۱ و ۲» ذکر شده و در تمام موارد، به‌صورت ضمنی و با استفاده از استعاره و مجاز آمده است. از جمله استعاره‌های به‌کاررفته برای این مفهوم‌ها می‌توان «دیوار»، «دیوار سرد و سنگی»، «لات و منات و عزی»، «خفاش‌های وحشی» و «نمرودیان» را نام برد.

## ۲-۳. نام‌گذاری رهبر، یعنی امام خمینی (ره) و امام زمان (عج) در شعرهای دوره دفاع مقدس

شخصیت امام خمینی (ره) و ویژگی‌های مربوط به ایشان، اعم از ویژگی‌های جسمانی (مانند پیشانی، چشم، سرانگشت، لب‌خند، دست و عکس امام) و نیز ویژگی‌های روحانی (مانند کلام، فریاد و آرامش امام، و اجازه‌دادن برای جنگ) در شعرهای حوزه دفاع مقدس در آثار امین‌پور، فراوان دیده می‌شود. این شاعر در سال‌های ۵۹ تا ۶۶، دست‌کم نوزده بار در شعرهایی همچون «فصل تقسیم»، «حمل آفتاب»، «بگذار عاشقانه بگویم»، «با بال‌های زخم»، «حماسه بی‌انتها»،

«خلاصه خوبی‌ها»، «سبز سرخ»، «شعری برای جنگ ۱» و... از امام یاد کرده است. اشاره‌های ضمنی امین‌پور به امام، در قالب نمادهای عرفانی و عاشقانه جلوه‌گر شده است. او از چشم امام، به «صحن حرم» و از پیشانی امام، به «پایان شب یلدا»، «سرنوشت قوم من» و «تفسیر لوح محفوظ» رسیده و از فریاد و آرامش امام، به ترسیم شکل «تلاطم طوفان و آرامش دریا» و از سرانگشت امام، به تجسم شکل «آغاز گل‌افشانی‌ها» دست یافته است. در شعرهای امین‌پور، حضرت حجت (عج)، ظهور ایشان و خیل منتظران آن امام، جلوه‌ای ادیبانه و شاعرانه دارد و در چهار مورد، با تعبیرهایی همچون «گنجینه ویرانه‌ها»، «آمدن بهار»، «روزهای سرخ»، «سرسبزترین فصل» و... نمود یافته است.

#### ۴-۲. نام‌گذاری مضمون‌های مرگ، شهید و شهادت در شعرهای دوره دفاع مقدس

مطالب این بخش، در جدولی بدین شرح آمده است:

جدول ۲. نام‌گذاری مضمون‌های مرگ، شهید و شهادت در شعرهای دوره دفاع مقدس

حوزه معنایی	عنوان شعر و سال سرایش	نام‌گذاری		مفهوم
		ضمنی	صریح	
استعاره ادبی	شعری برای جنگ / اسفند ۱۳۵۹	عفریت	-	مرگ
صریح	همان	-	کابوس کودکان	مرگ
صریح	همان	-	شهید	شهید
نماد ادبی	همان	لاله‌ها	-	شهیدان
عرفانی	اتفاق / تا ۶۳	اتفاق زرد و سرد، و اتفاق سبز و گرم	-	مرگ و شهادت
نماد ادبی	مبادا / تا ۶۳	لاله	-	شهید
عرفانی	مرثیه غروب / تا ۶۳	آفتاب سرخ	-	شهید
عرفانی	همان	زرد	-	زندگان



شاهد		سبز سرخ	این سبز سرخ کیست؟ / تا ۶۳	نماد اجتماعی / دینی
شاهد	-	سرو سبز	همان	اجتماعی / عرفانی
شاهد	-	سبز	همان	مذهبی / اجتماعی
شاهد	-	سرخ	همان	مذهبی
دفن شهید	-	کاشتن سرو		عرفانی
شاهد	-	گل	جهل مرکب / تا ۶۳	عرفانی
دفن شهید	-	کاشتن نهال	شعری برای جنگ (۲) / بهمن ۶۰	عرفانی
مرگ	-	عابری در رفت و آمد	همان	عرفانی
زندگی ماندن	بیهوده	-	بوی آشنا / مرداد ۶۱	عرفانی
شهادت	یاد یادگار	-	همان	عرفانی
شاهد	-	گل همیشه بهار	همان	نماد ادبی
شهادت	-	جاودانه ترین طرز بودن	مرز بودن / تیر ۶۱	عرفانی
شاعر و شهید	-	گیاه هرزه و لاله	همان	نماد ادبی
شهادت	-	بیت حسن ختام	بیت حسن ختام / تیر ۶۲	ادبی / عرفانی
شهادت	-	رقصی با تن بی سر	غزل تقویم ها / تا ۶۳	عاشقانه
خون گلوی عاشقان	-	آب وضوی عاشقان	سفر / تا ۶۳	عاشقانه
شهادت	-	بُردن گوی عشق	زین خالی / تا ۶۳	عاشقانه
شهادت	-	سماع سرخ	بازی آفتاب و باران / تا ۶۳	عاشقانه
شهیدان	-	سرخ پوشان دست افشان	بازی آفتاب و باران / تا ۶۳	عاشقانه
شهادت	-	نقطه های شروع یک	همان	نماد ادبی

		پرواز		
نماد دینی	عزل تصمیم / تا ۶۳	قربانیان کوی منا	-	شهیدان
عرفانی	فصل وصل / تا ۶۳	فصل وصل	-	شهادت
نماد ادبی	مفهوم صریح / تا ۶۳	معنی محض آفتاب	-	شهید
نماد عرفانی	هجرت / تا ۶۳	هجرت آفتاب	-	هجرت شهید
نماد عرفانی	پرسش / تا ۶۳	بوسیدن آفتاب	-	بوسیدن شهید
دینی	غسل / تا ۶۳	شستن آفتاب	-	شستن شهید
اجتماعی / عرفانی	حضور از خدا / تا ۶۳	هودج سبز	-	لباس رزم شهید
عرفانی	همان	هودج سرخ	-	تابوت شهید
عرفانی	همان	-	حضور از خدا	آوردن و حضور شهید
عرفانی	مجلس سوگ / تا ۶۳	جشن آفتاب	-	مجلس سوگ شهید
نماد دینی	آرامش تو / تا ۶۳	نبض عید قربان در نای	-	اشتیاق به شهادت
نماد ادبی	مفهوم صریح و شهیدان / تا ۶۳	آب / چشمه	-	شهید
نماد دینی	نکته / تا ۶۳	پرنده / مرغ	-	شهید
عارفانه	نشانه / تا ۶۳	صیاد	-	شهادت
عاشقانه	افسانه عشق / تا ۶۳	پروانه عشق	-	شهید
عاشقانه	همان	افسانه عشق	-	شهادت
عاشقانه	نکته / تا ۶۳	دفتر عشق	-	شهادت
قلندرانه	هجرت / تا ۶۳	از زرد به سرخی شراب	-	شهادت
نماد دینی	پیراهن تازه / تا ۶۳	پیراهن تازه	-	شهادت
نماد دینی	تجسم لا / تا ۶۳	تجسم لا	-	شهید
نماد دینی و اجتماعی	همان	کشته «ولا»	-	شهید

عرفانی	وصیت / تا ۶۳	لبخند به مرگ	-	وصیت شهید
عرفانی / عاشقانه	حدیث عشق آموزی / ۵۹ تا ۶۳	عشق آموزی	-	خودسوزی
عاشقانه	این چیست؟ / ۵۹ تا ۶۳	پروانه	-	شهید
عرفانی	کوچ / ۵۹ تا ۶۳	محمل شتاب	-	شهادت
عاشقانه	فروردین ۱۳۶۴	مسئله مشکل فرزندان / فلسفه ساده دیوانه‌ها	-	مرگ
استعاره ادبی	بر شانه شما / ۶۴ تا ۶۶	هزار کشتی بر اقیانوس	-	تشییع شهیدان
نماد دینی	همان	کعبه‌های روان	-	تابوت شهیدان
نماد دینی	همان	کعبه‌های کوچک چوبی	-	تابوت شهیدان
نماد دینی	همان	زائران ضریح	-	تشییع کنندگان
عاشقانه	دو تصویر / از ۶۴ تا ۶۶	موجی از آینه	-	شهادت
عاشقانه	نامی برای تو / از ۶۴ تا ۶۶	عشق	-	شهید
عاشقانه	آینه / از ۶۴ تا ۶۶	رقص مردانی از آینه	-	شهادت
عاشقانه	آینه / از ۶۴ تا ۶۶	سواران میدانی از آینه	-	شهیدان
عرفانی	آینه / از ۶۴ تا ۶۶	رفتن از خود، رسیدن به خویش	-	شهادت
عرفانی	همان	غرق دیدار خویش	-	شهید
عرفانی	همان	پایانی از آینه	-	شهادت

«شعری برای جنگ»، از نخستین سروده‌های امین‌پور باموضوع دفاع مقدس است که مدتی بعد از شروع جنگ تحمیلی (اسفند ۱۳۵۹) سروده شده است. این شعر، یکی از مشهورترین اشعار دهه شصت است که از همان ماه‌های آغازین جنگ تحمیلی، به دلیل داشتن زبان ساده و صمیمی توانست جایگاه خود را حفظ کند. در این شعر، فضای آغازین تهاجم و دفاع، با دیدگاهی

رنالیستی توصیف شده است. با توجه به جدول، نام‌گذاری مضامین در این شعر، چندان نمودی ندارد و عبارت‌هایی صریح مانند «جنگ»، «شهید»، «کلام امام» و... به کار رفته است.

اطلاق نام «ابراهیم (ع)» به رزمندگان، رشد جهان‌بینی دینی شاعر را نشان می‌دهد؛ در حالی که نماد «ابراهیم» در شعر امین‌پور، پیش از انقلاب، تنها برای رهبری دینی، یعنی امام خمینی (ره) انتخاب می‌شد: «ای یار! وقت است تا تو دست بر آری / قامت بلند دار و تیر بردار / بت‌ها تیرشکن شده از بس که دیر ماند...» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۶۷).

در شعر امین‌پور، «رویین‌تان عشق» نامی برای رزمندگان است و در این نام‌گذاری، انتخاب عبارت با تضاد معنایی و ایجاد متناقض‌نما، از جنبه‌های ایدئولوژیک متن به‌شمار می‌رود. در عبارت «رویین‌تان عشق»، واژه «رویین‌تان»، جنبه حماسی و واژه «عشق»، جنبه عرفانی دارد. در غزلیات این شاعر، تلاقی عرفان و حماسه، بیشتر نمود یافته و انتخاب قالب غزل، برای توصیف ویژگی رهبر سیاسی - الهی که ایدئولوژی دفاع را طراحی می‌کند، نکته‌ای قابل توجه است؛ بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین نکته در تلاقی عرفان و حماسه، وجود رهبر دینی و سیاسی است. در دوبیتی زیر نیز این مسئله دیده می‌شود:

مردی که طلایه‌دار مردان خداست      از طایفه نورنوردان خداست  
قطبی که مدار چشم او قبله‌نماست      قلبش گل آفتاب‌گردان خداست

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۲۳)

در این شعر، نام‌گذاری «گل آفتاب‌گردان خدا» و همچنین «مردی از طایفه نورنوردان»، انتخابی در حوزه معنایی عرفانی است.

## ۲-۵. نام‌گذاری برای مرگ، شهادت و شهیدان

اگر از نام‌های «عفریت» و «کابوس آشنای همه کودکان شهر» برای مرگ و «لاله» برای شهید بگذریم، پس از آن، در سیر نام‌گذاری مضمون‌ها، تغییرهایی معنادار دیده می‌شود. در سروده‌های نخستین، نام‌گذاری‌هایی در حوزه معنایی صریح، در متن دیده می‌شود و کم‌کم، این نام‌گذاری‌ها به‌صورت ضمنی درمی‌آیند؛ مثلاً «اتفاق زرد و سرد» نام‌گذاری‌ای برای مرگ و درمقابل آن،

عبارت «سبز و گرم»، نام‌گذاری‌ای برای شهادت است: «افتاد آن‌سان که برگ- آن اتفاق زرد- می‌افتد/ افتاد آن‌سان که مرگ- آن اتفاق سرد- می‌افتد/ اما او سبز بود و گرم که افتاد» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۲۲). در شعر «سبز سرخ»، عبارت «سبز سرخ»، نام‌گذاری‌ای برای پاسدار شهید با توجه به مسائل اجتماعی است. در سال‌های میانی دفاع مقدس، فرایند نام‌گذاری، عمق عرفانی بیشتری یافته است؛ مانند «کعبه‌های کوچک چوبی» که نام‌گذاری‌ای برای تابوت شهیدان و «زائر» که نام‌گذاری‌ای برای تشییع‌کنندگان است:

رفتار کعبه‌های روان/ بر شانه‌های صبر، تماشایی است... ای کعبه‌های کوچک چوبی!... آیا/ بر شانه ما این فوج پرشکسته شماید؟/ یا نه، این خیل خسته ما بیم کاین‌گونه سربلند/ بر شانه شمایم؟... ما زائر شمایم... ما بر شانه شمایم! بر شانه شما! (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۱۰).

در غزلیات، نام‌گذاری‌ها عاشقانه و گاه قلندرانه است؛ مثلاً «خون گلوی عاشقان»، نامی است برای آب وضوی عاشقان؛ همچنین «عشق»، نام‌گذاری‌ای برای شهادت است: «صدایی به‌رنگ صدای تو نیست/ به‌جز عشق، نامی برای تو نیست» (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۴۲). در غزل، از دیگر موارد نام‌گذاری برای شهادت می‌توان این نمونه را ذکر کرد: «تو اوج شعر و کلامی، تو خود تخلص و نامی/ تو بیت حسن ختامی، شهادت آی شهادت!» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۱۰۱) که در آن، ایهام در عبارت «بیت حسن ختام» (خانه عاقبت نیکو)، نوعی حسن تعبیر دارد.

نام‌گذاری‌های متعدد عرفانی برای شهادت، مانند «عارفانه رقصیدن»، «سماع سرخ» و «مست خلسه‌ای خونین»، حسن تعبیر دارد و ایدئولوژی متن، عبارت از شیفتگی به شهادت است: «ای خوشا ز خون رفتن، مست خلسه‌ای خونین! / سرخوش از سماعی سرخ، عارفانه رقصیدن!». از موارد نام‌گذاری برای شهادت، عبارت «رقص مردانی از آینه» است. این عبارت در معنای عرفانی خود، به‌صورت تلویحی، در نظم گفتمان دفاع مقدس وجود دارد و از نمادهای سیاسی، اجتماعی، حزبی و... خالی شده است. نگاه آرمانی و عرفانی، از ویژگی‌های اندیشگانی امین‌پور است.

«خوشا رقص مردانی از آینه/ سواران میدانی از آینه... همه غرق حیرت ز دیدار خویش/ در امواج طوفانی آینه» (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۴۶). در این شعر، استفاده از عبارت «مردانی از آینه» برای شهیدان،

انتخابی عارفانه و عاشقانه است و به نظر می‌رسد تحت تأثیر این ایده باشد که «شهادت در قهقهه مستانه‌شان و در عیش وصالشان، «عند ربهم یرزقون» اند».

نام‌گذاری «عشق» برای شهید، از انتخاب‌های زیبای این شاعر است: «صدایی به‌رنگ صدای تو نیست/ به‌جز عشق، نامی برای تو نیست... تن جاده از رفتن جان گرفت/ رگ راه، جز رد پای تو نیست» (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

## ۶-۲. نام‌گذاری شهید به «آفتاب»

در شعر امین‌پور، واژه «آفتاب» بیشترین بسامد را در نام‌گذاری برای شهید دارد؛ مثلاً در نوزده درصد از ۶۸ دوبیتی و رباعی موردنظر، از «آفتاب» و کنایه‌های آن برای شهید و شهادت استفاده شده است: «نوشیدن نور ناب، کاری است شگفت/ این پرسش را جواب، کاری است شگفت/ تو گونه یک شهید را بوسیدی؟/ بوسیدن آفتاب، کاری است شگفت» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۴۱). در مصراع اول این شعر، عبارت «نوشیدن نور ناب»، نام‌گذاری‌ای برای بوسیدن شهید است و حسن‌تعبیر دارد؛ زیرا در وضعیت غیرایدئولوژیک، دیدن کشته‌شدگان، تصویری خوشایند نیست.

«طوری که در پی خطاب آمده‌ایم/ نوریم ولیک در حجاب آمده‌ایم/ در مجلس سوگ تو، تو را کی بینیم؟/ کوریم و به جشن آفتاب آمده‌ایم» (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۴۳). در این شعر، عبارت «طور به‌خطاب آمده»، حسن‌تعبیری است برای شرکت‌کنندگان در مراسم سوگ شهید؛ بنابراین، همان‌طور که موسی (ع) در طور، نور خدا را دید، می‌توان شهید را در مجلس او مشاهده کرد. در عبارت «کوریم و به جشن آفتاب آمده‌ایم»، آفتاب بودن شهید، طبیعی جلوه داده شده است.

در تبیین انتخاب «آفتاب» در شعر دفاع مقدس می‌توان گفت آفتاب، مظهر نور، پاکی، زندگی، جاودانگی و حتی امکان بازگشت دوباره (رجعت) و... است و انتخاب آن برای شهید، با توجه به مفاهیم دینی، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. طبق متن صریح قرآن، کشتگان راه خدا، زنده و جاویدند و نزد پروردگار خویش، روزی می‌خورند.

## ۲-۷. نام‌گذاری به «آب/ چشمه»

در شعر «شهیدان را به نوری ناب شویم/ درون چشمه مهتاب شویم/ شهیدان همچو آب چشمه پاک‌اند/ شگفتا! آب را با آب شویم؟» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۹۹)، در مصراع آخر، واژه «آب»، نام‌گذاری‌ای برای شهیدان است. در نمونه دیگر، «او ترجمه زبان آب است. همین/ او معنی محض آفتاب است. همین/ بیهوده به دنبال صفت می‌گردی/ مفهوم صریح شعر ناب است. همین» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۴۱) نیز نام‌گذاری‌های متعدد با «ترجمه زبان آب»، «معنی محض آفتاب»، «شعر ناب» برای شهید صورت گرفته است. «آب» در پیشینه فرهنگی ما، نشان روشنایی، پاک‌ی، زندگی و حیات جاودانه بوده است و انتخاب آن برای شهید، علاوه بر پشتوانه دینی، پشتوانه ادبی نیز دارد.

## ۲-۸. نام‌گذاری به «پرنده/ مرغ»

در شعر «آن مرغ که پرزند به بام و بر دوست/ خواهد که دهد سر به دم حنجر دوست/ این نکته نوشته‌اند بر دفتر عشق/ سر دوست ندارد آنکه دارد سر دوست» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۳۹)، چند فرایند نام‌گذاری دیده می‌شود: انتخاب «آن مرغ» در فرایند نام‌گذاری برای شهید، به صورت اسم اشاره به کار رفته است و این مطلب را در ذهن تداعی می‌کند که شهید، مرغی مهاجر است که مشتاقانه به سوی دوست می‌شتابد. انتخاب واژه «دوست» در نام‌گذاری برای خداوند متعال، همراه با تکرار این عنوان در دیگر مصراع‌ها، جنبه ایدئولوژیک دارد؛ به ویژه در مصراع آخر که تأکید رباعی بر آن است، «دوست» با دو معنا به کار رفته است. «دفتر عشق»، نام‌گذاری‌ای برای دفتر شهادت است و هم‌شمولی معنا در عشق و شهادت، از جنبه‌های ایدئولوژیک شعر امین‌پور به شمار می‌رود. در متون دینی هم از «پرنده»، به عنوان تمثیلی برای روح مؤمن استفاده شده و شباهت پرنده به روح مؤمن، در منابع دینی، چنین بیان شده است:

اسحاق بن عمار، از شاگردان امام موسی بن جعفر - علیه السلام - درباره ارواح گذشتگان چنین سؤال کرد: «آیا آن‌ها اهل خود را ملاقات و دیدار می‌کنند؟» فرمودند: «آری»؛ گفتم: «در چه زمان؟» فرمودند: «در هر جمعه و در هر ماه و در هر سال یک بار بر حسب مقام و منزلت مؤمن»؛ گفتم: «به چه صورتی آن‌ها به دیدار اهل خود می‌روند؟» فرمودند: «به صورت پرنده لطیفی که خود را به دیوارها می‌زند و از اهل خود آگاه می‌شوند؛ پس اگر آن‌ها را در خیر و

خوبی مشاهده کنند، خوش حال می‌شوند و اگر در حال بد و اندوه بنگرند، غمناک و ناراحت می‌شوند» (اصول کافی، ۳/۲۰۳).

علاوه‌براین، یکی از راه‌های انقیاد‌آور و مؤثر در القای ایده‌ای خاص، استفاده از کلمه‌ها و عبارت‌های بینامتنی است؛ چنان‌که بیت آخر، تضمین شعری از خواجه عبدالله انصاری است.

#### ۹-۲. نام‌گذاری شهادت به «پیراهن تازه»

در شعر «جان تو دوباره جامه‌ای تازه گرفت/ وز خون تو این کتاب، شیرازه گرفت/ پیراهن تازه تو را می‌باید/ با قامت آفتاب اندازه گرفت» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۵۱)، «جامه تازه» نام‌گذاری‌ای برای شهادت است و تأکید بر این ایده با لفظ «دوباره»، به‌منظور بیان زندگی دوباره صورت گرفته است. این زندگی تازه، با جامه‌ای تازه به‌بلندای آفتاب آغاز می‌شود و شیفتگی شاعر به این معنا باعث انتخاب دوباره آن شده است: «دیدار تو را به‌شوق خواهم کوشید/ چون جامه تازه‌ایت خواهم پوشید/ گر آتش صد هزار دوزخ باشی/ ای مرگ! تو را چو آب خواهم نوشید» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۳۷). در این شعر، کاربرد عبارت «جامه تازه» برای نام‌گذاری شهادت، انتخابی بینامتنی است که در متون دینی، بارها استفاده شده است. در معانی/الخبار شیخ صدوق، از امام سجاد (ع) نقل شده است که «مرگ برای مؤمن، چون برکندن جامه‌های چرکین و آلوده از تن است... و جای‌گزین کردن فاخرترین و خوش‌بوترین جامه‌ها...» (شیخ صدوق، ۱۳۷۹: ۲۸۹).

#### ۱۰-۲. نام‌گذاری ضمنی شهید به «قربانی»

در فرهنگ ما، «قربانی» مظهر رضایت و تسلیم، مقدم‌داشتن امر الهی بر نفس و جلب رضایت اوست. رسم قربانی هم جنبه تاریخی دارد و هم جنبه دینی. در ادبیات عرفانی، قربانی در مفهوم خواسته‌ها و آرزوهای درونی و نفسانی مطرح است و به‌ویژه در داستان قربانی کردن اسماعیل (ع) به‌دست ابراهیم نبی (ع)، این مسئله دیده می‌شود:

چون ابراهیم (ع) به دوستی اسماعیل (ع) مبتلا شد، در سرش عتاب آمد که «یا ابراهیم! دعوی دوستی ما کردی و به غیر ما نظر می‌کنی؟ هر که دوستی کسی کند و به جز وی، در کسی



نگرد، دعوی اش به حقیقت نبود». چنین بود فرمان آمد از حق - سبحانه تعالی - به قربان اسماعیل (نیشابوری، ۱۳۵۹: ۶۲).

مثلاً در این شعر امین پور: «حُسن تو کنایه‌ای به کنعان می‌زد/ در نای تو نبض عید قربان می‌زد/ دریای دلت ساحل اطمینان بود/ آرامش تو طعنه به طوفان می‌زد» (امین پور، ۱۳۶۳: ۴۴)، در جمله «در نای تو نبض عید قربان می‌زد»، به صورت ضمنی، شهید، قربانی خوانده شده است. شهید، قربانی عید قربان است و نای او مشتاق قربانی شدن، و در این راه، اطمینان قلبی او وصف‌ناپذیر است.

#### ۱۱-۲. نام‌گذاری به «لا»

از جمله شعرهای دارای این نام‌گذاری می‌توان این نمونه را ذکر کرد: «"لا" بود که کشته "ولا" بود شهید/ "لا" بود و "الست" را "بلی" بود شهید/ با قامت واژگونه در خونش نیز/ تصویر و تجسمی ز "لا" بود شهید» (امین پور، ۱۳۶۳: ۴۹). نام‌گذاری شهید به «لا» یکی از انتخاب‌های ایدئولوژیکی نسبتاً آشکار در شعر امین پور است. در این متن، کشته «ولا» بودن، نتیجه «لا» بودن تصور شده است و در بیت آخر، واژگونه افتادن شهید، دوباره با «لا» نام‌گذاری شده است و حسن تعبیر دارد. حسن تعبیر در القای ایدئولوژی، نقشی مؤثر دارد.

#### ۱۲-۲. نام‌گذاری شهید به «ابر سفید»

شعر «او زمزمه چشمه کوهستان بود/ با آب، رفیق و عاشق باران بود/ چون ابر سفید آسمان در دل ظهر/ هم‌بازی آفتاب تابستان بود» (امین پور، ۱۳۶۳: ۵۴) در وصف شهیدان نوجوان سروده شده و نام‌گذاری شهید نوجوان به «ابر سفید آسمان در دل ظهر»، ابداع امین پور است. برای تحلیل انتخاب او، توجه به دیگر متن‌های این شاعر، ضروری به نظر می‌رسد. از نظر او، ابر، معراج آب است:

مگر ندیده‌اید که آب هم مثل آدم‌ها به ماه سفر می‌کند در شب، و به آفتاب سفر می‌کند در روز؟... آب از آفتاب است و به آفتاب برمی‌گردد... مگر معراج آب را در روز روشن ندیده‌اید در روزهای آفتابی؟ ما از خاک نیستیم تا به خاک فرورویم. اگرچه خاک، آدم‌رباست؛ اما هرکس به اندازه وزنش، به خاک جذب می‌شود. جاذبه زمین، تنها تن را می‌کشد؛ نه روح را. بال پرنده، قانون جاذبه را قبول ندارد و آن را نمی‌پذیرد و روزی که انسان

هم دو بال برای خود دست‌وپا کند، می‌تواند روحش را برکشد و پر کشد؛ اما افسوس...!  
(امین‌پور، ۱۳۶۵: ۹۲).

بنابراین، نام‌گذاری در شعر امین‌پور، به‌شدت پیرو جهان‌بینی و ایدئولوژی اوست: «من همراه ایل آب خواهم کوچید/ تا منزل آفتاب خواهم کوچید/ با این دل تنگ، مصلحت نیست درنگ/ بر محملی از شتاب خواهم کوچید» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۴۰).

در این شعر، چند نام‌گذاری وجود دارد: «ایل آب» که نام‌گذاری‌ای برای شهیدان است؛ «منزل آفتاب» که نام‌گذاری‌ای برای شهادت است؛ «محملی از شتاب» که نام‌گذاری‌ای دیگر برای شهادت است. نام‌گذاری شهادت به «محملی از شتاب»، در شعرهای دیگر امین‌پور نیز دیده می‌شود؛ مانند: «آری همیشه در پی هر تیر/ مرداد می‌رسد/ اما / گه می‌توان ز تیر به اردیبهشت رفت! / باری عروج تند شهادت، این است!» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۵۷).

### ۱۳-۲. نام‌گذاری شهید به «پروانه»

نمونه این نام‌گذاری را در این شعر می‌توان دید: «آهنگ و سرود لب‌تان سوختن است / اندیشه روز و شب‌تان سوختن است / این چیست میان تو و پروانه و شمع؟ / کز روز ازل، مذهب‌تان سوختن است» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۴۵). در ادبیات سنتی ما، «پروانه» نماد عاشق مجنون است و عاشق باید در عشق بسوزد و فانی شود. در شعر امین‌پور، علاوه بر عشق، عقل نیز حضور دارد و در مصراع دوم، در جمله «اندیشه روز و شب‌تان سوختن است»، علاوه بر عشق، عقل نیز حضور دارد؛ چنان‌که در جهان‌بینی او، عرفان و حماسه، مرزهایی مشترک دارند. در شعر «در آتش شوق سوخت، دیوانه عشق / کامروز، حقیقت است افسانه عشق / بال و پر و جان و سر او جمله بسوخت / پروانه ز شعله کرد پروانه عشق» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۳۹) نیز نام‌گذاری‌هایی متعدد بدین شرح وجود دارد: «دیوانه عشق»، نام‌گذاری‌ای برای شهید و «افسانه عشق»، نام‌گذاری‌ای برای شهادت است؛ همچنین «پروانه عشق»، نام‌گذاری‌ای برای شهید است. در بیت اول، شهید در آتش شوق می‌سوزد؛ زیرا در این زمان، شهادت که افسانه عشق بوده، صورتی عینی و حقیقی یافته است. یکی از جنبه‌های ایدئولوژیک این متن، هم‌معنایی عشق و شهادت است.

نام‌گذاری‌های «سبز سرخ»، «سبز»، «سرخ»، «سرو سبز» نیز برای پاسدار شهید در لباس خونین به کار رفته و جمله «این سرو سبز کیست که می‌کارند؟»، نمونه‌ای از آن است. فعل «می‌کارند» نیز دارای حسن تعبیر است و به جای خاک کردن به کار رفته است؛ بنابراین، طبیعی است که سرو سبز باید کشته شود. «هرچند سرخ سرخ به خاک افتاد» نیز حسن تعبیری است برای عبارت «به جای» با زخم‌های بسیار خاک شد. «این ابتدای سبزی او بود» هم حسن تعبیری برای دفن کردن است. این عبارت‌ها شهادت پاسداران را طبیعی جلوه می‌دهند.

### ۳. نام‌گذاری مضمون‌های دفاع مقدس در شعر بعداز دوره دفاع مقدس

شعر امین‌پور در سال‌های متوالی، از طریق نهادهای اجتماعی، گفتمان پرورده در دفاع مقدس را از طریق مضمون‌های عرفانی و عاشقانه، به طبقه‌های مختلف جامعه منتقل می‌کرد. این شاعر بعداز پایان تلخ روزهای عشق و عرفان، از نهادهای اجتماعی فاصله گرفت و از این پس، زبان و اندیشه در شعرش، بسیار دگرگون شد. وی بعداز سال‌های دفاع مقدس، با سکوتی مبهم، در پی شناخت درونی خویش بود: «خاموش چو فانوس که در خویش خمیده است/ بیچیده به خود با تن تاخورده نشستیم...» (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۸۷). او در سکوت و تنهایی، بارها خویشتن خویش را بازمی‌شناخت و این مرحله، آغاز شک فلسفی‌اش بود؛ تا جایی که از این تردید: «آینه هم ازدیده‌تر دید، مرا دید/ با سایه خود نیز دل‌آزرده نشستیم» (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۸۷).

امین‌پور در دوره دفاع مقدس نیز بارها با اندیشه‌های فلسفی و عرفانی خود، درگیر بود: «چندی است به زندانی خود شک دارم/ در آن من پنهانی خود شک دارم/ آن‌سان که تو جان به دوست کردی تسلیم/ زین پس، به مسلمانی خود شک دارم» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۴۷). بعداز پایان یافتن «فرصت پرواز»، این اندیشه‌های عرفانی و فلسفی، بیشتر در شعر این شاعر نمود یافت و درون‌گرایی و توجه به خودشناسی، او را بیشتر به تفکر وادار کرد.

در این دوره، با توجه به محدودبودن پردازش مضمون‌های دفاع مقدس، نام‌گذاری، بیشتر بر مضمون «شهید» متمرکز است. نمونه‌هایی از نام‌گذاری‌ها در شعر بعداز دوره دفاع مقدس، بدین شرح است:

جدول ۳. نام‌گذاری واژگان دفاع مقدس در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس

حوزه معنایی	عنوان شعر و سال سرایش	نام‌گذاری		مفهوم
		ضمینی	صریح	
استعاره ادبی	اعتراف/ ۶۷ تا ۷۱	خارها	-	ما (رزمندگان جامانده)
استعاره ادبی	همان	میوه‌های کال کرم‌خورده	-	ما (جاماندگان)
استعاره	همان	برگ‌های زرد	-	ما (جاماندگان)
استعاره	خمیازه فریاد/ آبان ۶۹	شاخه‌های تن‌به‌شکستن داده	-	ما (جاماندگان)
استعاره	قرارداد/ دی ۷۰	درخت آشنا و شاخه‌های جاگذاشته	-	جان‌باز و دست‌های قطع شده
صریح	خاطره/ بهار ۷۳	-	گریه‌های یکریز	خاطره دفاع
صریح	همان	روزهای ریخته	-	خاطره دفاع
صریح	همان	-	فصل‌های سوخته	خاطره دفاع
صریح	همان	-	سال‌های سخت	خاطره دفاع
استعاره ادبی	تا حادثه سرخ رسیدن/ دی ۷۸	هیزم تر	-	ما (جاماندگان)
استعاره ادبی	همان	باد آواره دوان به هر سو	-	ما (جاماندگان)
استعاره ادبی	همان	خون تپیده به تردید	-	ما (جاماندگان)
استعاره ادبی	همان	اشک نچکیده	-	ما (جاماندگان)
استعاره ادبی	همان	شمع شعله‌نکشیده	-	ما (جاماندگان)

استعاره ادبی	همان	کال سبز از شاخه بریده	-	ما (جامانگان)
استعاره ادبی	همان	لب چشمه رسیده و نجشیده	-	ما (جامانگان)
استعاره ادبی	حال غزال / اسفند ۷۸	حال غزال	-	حال من در دفاع
استعاره ادبی	همان	کالی دل	-	تعلقات من
نماد عرفانی	روزها و سوزها / ۸۰ تا ۸۵	تشریف عربانی	-	لباس رزم من
نماد حماسی	همان	لباس زخم		لباس رزم من

### ۱-۳. نام‌گذاری برای رهبر (امام خمینی) در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس

امین‌پور در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس، به صورت مستقل به شخصیت امام خمینی (ره) نپرداخته است؛ بلکه تنها چهار بار، مفاهیمی وابسته به ایشان را در شعرهای «آخرین تصویر» و «سرمست رسیدن» آورده است. در هر چهار مورد، مفاهیم به صورت ضمنی و در قالب نمادهای عرفانی آمده است؛ بدین شرح که از چشم امام، با عنوان «حکم تحریم شراب»، از آفتاب در دستان امام با استفاده از صورت خیالی<sup>۱</sup> «ذره‌بین»، از خاک در نگاه امام با عبارت «نقطه ابهام گنگی» و از ماندگاری سخن امام با ترکیب «ماندگاری صدای سخن عشق» یاد کرده است.

### ۲-۳. نام‌گذاری برای مضمون شهید و شهادت در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس

مطالب این بخش را در قالب جدولی بدین شرح آورده‌ایم:

جدول ۴. نام‌گذاری برای مضمون شهید و شهادت در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس

مفهوم	نام‌گذاری		عنوان شعر و سال سرایش	حوزه معنایی
	صریح	ضمنی		
شهیدان	-	اسفندها	پیشواز/ ۶۷ تا ۷۱	نماد عرفانی
شهیدان	بی‌شمار عاشقان	-	شعر بی‌دروغ/ دی ۱۳۷۲	عاشقانه
شهید	-	گل امانتی زمین	اگر می‌توانستم/ ۱۳۷۲	عرفانی
شهید	حقیقت	-	همان	عرفانی
شهید	-	لب‌خند پرپر	همان	عاشقانه
شهید	دور	-	همان	عرفانی
شهادت	-	اتفاق ساده	خاطره/ بهار ۷۳	عرفانی
شهادت	-	حادثه سرخ رسیدن	تا حادثه سرخ رسیدن/ دی ۷۸	عرفانی
شهادت		برتر از خیال محال	حال غزال/ ۷۸	عرفانی
شهادت	-	فرصت دیدار	فرصت دیدار/ مرداد ۷۹	عرفانی
شهید	شهید	-	طرحی برای صلح (۱)/ ۸۰ تا ۸۵	صریح
شهید	شهید	-	طرحی برای صلح (۲)/ ۸۰ تا ۸۵	صریح
شهید	شهید	-	طرحی برای صلح (۳)/ ۸۰ تا ۸۵	صریح
پیام شهیدان	-	باریگران بر دوش‌ها	روزها و سوزها/ ۸۰ تا ۸۵	اجتماعی
شهیدان و من	-	مرغابیان و لاک‌پشت	حسرت پرواز/ ۸۰ تا ۸۵	نماد ادبی
اجساد مفقودان	-	یک مشت پر، بر بام رسیدن	هنگام رسیدن/ از ۸۰ تا ۸۵	عرفانی

در این سال‌ها، امین‌پور به ریشه برخی دردهای خود پی برده و آن‌ها را در قالب استعاره‌هایی

پیچیده بیان کرده است. در شعر «اعتراف»، استعاره‌های انتخابی، بسیار پنهان است:

خارها/ خوار نیستند/ شاخه‌های خشک، چوبه‌های دار نیستند/ میوه‌های کال کرم‌خورده نیز/

روی دوش شاخه‌ها بار نیستند/ پیش از آنکه برگ‌های زرد را/ زیر پای خویش/ سرزنش کنی/

خش‌خشی به گوش می‌رسد: برگ‌های بی‌گناه/ با زبان ساده اعتراف می‌کنند/ خشکی درخت

از کدام ریشه آب می‌خورد (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۷۳).

در متن این شعر، از طریق معنای استعاری، عبارت‌هایی پیچیده مانند «میوه‌های کال کرم‌خورده»، «شاخه‌های خشک» و «خارها» برای نام‌گذاری انتخاب شده‌اند. در نگاه نخست، شاید متن، چندان ارتباطی با دردهای مربوط به سال‌های دفاع مقدس نداشته باشد؛ اما از طریق بینامتیت می‌توان بسیاری از مفاهیم و واژه‌های خاص شعر دوره دفاع مقدس را بازشناخت. به نظر می‌رسد استعاره‌های انتخابی، برای نام‌گذاری وضعیت کنونی شاعر و دردهای درونی او به کار رفته‌اند. این نام‌گذاری، نقطه مقابل استعاره‌هایی است که شاعر سال‌ها آرزوی آن را داشته است؛ مانند: «خار» در برابر «گل» که همواره در فرایند نام‌گذاری برای شهید انتخاب می‌شد. در آن دوره نیز سرزنش خود، مشهود است: «خاموش می‌شویم و فراموش می‌شویم / ما را اگر که وسوسه در سر ز بودن است / هان ای گیاه هرزه که با لاله همدمی / رو خار باش! به از هرزه بودن است» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۹۶). این شاعر، «خار» بودن را طبیعی انگاشته است و اکنون می‌خواهد با دیدی متفاوت، به این «خار» بنگرد. «خار» درست است که «خار» است؛ اما «خوار» نیست. «میوه‌های کال کرم‌خورده» نیز ممکن است نام‌گذاری‌ای برای خود باشد. امین‌پور بارها تعلق دل را نشان‌دهنده کال بودن آن دانسته است: «بی‌درد و بی‌غم است چیدن رسیده را / خامیم و درد ما از کال‌چیدن است»<sup>۱</sup> (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۵۱) و همین تعلق داشتن یعنی کال بودن. وی نرسیدن را در ایهامی پیچیده، علت «نرسیدن» دانسته است. نمونه‌های این انتخاب در شعرهای دیگر او نیز وجود دارد: «کالیم که سرسبز، دل از شاخه بریدیم / تا حادثه سرخ رسیدن نرسیدیم» (امین‌پور، ۱۳۸۱: ۱۲۷). «میوه کال کرم‌خورده» بودن نیز آن‌قدر برای این شاعر، طبیعی است که برای کنار آمدن با این مسئله، «روی دوش شاخه‌ها بار نیستند» را مطرح کرده است. برگ‌های زرد نیز می‌توانند نام‌گذاری‌ای برای عاقبت خود امین‌پور باشند: «افتاد آن‌سان که برگ، آن اتفاق زرد می‌افتد / افتاد آن‌سان که مرگ، آن اتفاق سرد می‌افتد / اما او سبز بود و گرم که افتاد» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۱۱) و سرانجام، «ریشه خشک درخت» که می‌تواند نام‌گذاری‌ای برای نفس باشد. این مطلب در شعرهای دیگر امین‌پور نیز بازگو شده است؛ مانند: «ما و دل و طنین تپیدن به بحر خون / این شعرها به بحر تن تن نمی‌خورد / این ریشه‌های خشک که در خاک تیره‌اند / آب از زلال آبی

روشن نمی‌خورند» (امین‌پور، ۱۳۸۱: ۹۰). در شعر این شاعر، روند کنار آمدن با مسائل مختلف مانند جاماندن، تعلق داشتن و... ادامه دارد؛ بنابراین نباید به دنبال مقصر گشت:

اما/ با این همه/ تقصیر من نبود که با این همه... با این همه امید قبولی/ در امتحان ساده تو رد شدم/ اصلاً نه تو، نه من! / تقصیر هیچ کس نیست/ از خوبی تو بود/ که من/ بد شدم (امین‌پور، ۱۳۸۱: ۶۸).

در این شعر، منظور از «امتحان ساده» را می‌توان در متن‌های دیگر شعری یافت: «با سال‌های سخت/ رفتیم و/ سوختیم و/ فروریختیم/ با اعتماد خاطره‌ای در یاد/ اما/ آن اتفاق ساده نیفتاد» (امین‌پور، ۱۳۸۱: ۴۴).

در این دوره، نام‌گذاری برای شهیدان که در شعر دوره دفاع مقدس، با مفاهیمی چون «آفتاب و آب و نور»، روشنی‌بخش شعر امین‌پور بودند، بانام «اسفندها» بی‌معرفی شده‌اند که صادقانه، جلوه «پیشواز» را به‌نمایش می‌گذارند؛ اما با درنگ نیامدن، اکنون، شادی آن، رو به کاستی است. نام‌گذاری شهید به «پرنده» که مظهر «روح» انسانی است، از جمله انتخاب‌هایی است که در سال‌های بعد از دوره دفاع نیز در شعر این شاعر وجود دارد. در این نام‌گذاری‌ها، گاه شاعر تا زلال کودکی رفته است: «در حسرت پرواز با مرغابیانم/ چون لاک‌پشتی پیر، در لاکم صبورم» (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ همچنین: «از آن کبوترهای بی‌پروا که رفتند/ یک مشت پر جا مانده بر بام رسیدن» (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۷۴). نام‌گذاری «کبوترهای بی‌پروا» برای شهیدان و همچنین نام‌گذاری «یک مشت پر» برای اجساد شهیدان گم‌نام و «رسیدن» برای شهادت، هنوز هم از مفاهیم عمیق عرفانی به‌شمار می‌رود؛ اما دیگر حماسه‌ای در آن مشهود نیست. با توجه به معنا و تصویر کلی این نام‌گذاری‌ها به‌نظر می‌رسد روند نام‌گذاری، دیگر از عبارات‌های خاص اجتماعی مانند «سبز»، «سرخ»، «سبز سرخ» و... فاصله گرفته و به معانی‌ای انتزاعی‌تر تبدیل شده است. توجه به مفاهیم انتزاعی، از علاقه‌های قیصر امین‌پور در نام‌گذاری برای شهید است و از جمله نام‌گذاری‌های انتزاعی او برای شهید می‌توان انتخاب «حقیقت» و «دور» را ذکر کرد:

اگر داغ، رسم قدیم شقایق نبود/ اگر دفتر خاطرات طراوت/ پر از ردپای دقایق نبود.../ اگر ردپای نگاه تو را/ باد و باران/ از این کوچه‌ها آب و جارو نمی‌کرد... و می‌شد به رسم امانت/



گلی را به دست زمین بسپریم/ و از آسمان پس بگیریم/ اگر خاک کافر نبود/ و روی حقیقت نمی ریخت.../ تو را می توانستم از دور/ ای دور/ یک بار دیگر بینم (امین پور، ۱۳۸۶: ۴۰).

در شعرهای پایانی و مجموعه های واپسین امین پور، بار دیگر، نوعی واقع بینی، مشهود است: «شهیدی که بر خاک می خفت/ سرانگشت در خون خود می زد و می نوشت:/ اگر جنگ، این است که دشمن شکست/ چرا باز هم دشمنی هست؟» (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۷). در این شعر، یادآوری شهید با واژه «شهید» (بدون نام گذاری)، در یادآوری پیام شهید (چرا باز هم دشمنی هست)، مؤثر است و این عنوان در فرهنگ ما، نامی برای کشته شدگان در راه خدا به شمار می رود. شاعر از ورود به حیطه نام گذاری ها در معنای ضمنی شان خوداری کرده و کمتر به نمادهای ادبی، تاریخی، اجتماعی و... پرداخته است؛ اما این نگاه رئالیستی، تنها در نام گذاری مضمون ها دیده می شود و با دقت در جان مایه متن شعر درمی یابیم که بار دیگر، جهان بینی آرمانی در کلام امین پور جریان دارد: «شهیدی که بر خاک می خفت/ سرانگشت در خون خود می زد و می نوشت/ دوسه حرف بر سنگ:/ «به امید پیروزی واقعی؛/ نه در جنگ؛/ که بر جنگ!»» (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۸). به نظر می رسد شاعر در این شعر خود، به این کلام امام (ره) متوجه بوده است: «پیروزی ما آن روزی است که... ممالکی که مستضعفین در بند هستند، همه رها شوند» (صحیفه امام، ۱۲/۴۰۶).

در واپسین شعرهای امین پور، نام گذاری «بی شمار عاشقان» برای شهیدان، هنوز هم در دیدگاه عاشقانه به کار می رود: «ما که این همه برای عشق/ آه و ناله دروغ می کنیم/ راستی چرا/ دررثای بی شمار عاشقان/ که بی دریغ، خون خویش را نثار عشق می کنند/ از نثار یک دریغ هم/ دریغ می کنیم؟» (امین پور، ۱۳۸۶: ۳۸).

#### ۴. نتیجه گیری

براساس آنچه گفتیم:

الف) امین پور در شعرهای دوره دفاع مقدس، با زبانی حاکی از باور قلبی به شعایر جنگ تحمیلی، بازتابی از ایدئولوژی خود را با بیانی صریح ابراز کرده است؛

- ب) بسته به میزان عاطفه شاعر، انتخاب نام‌ها از صورت صریح، به شکل ضمنی، نمادین و استعاری گرایش پیدا می‌کند؛
- ج) انتخاب‌های ضمنی در آغاز، با گزینش‌هایی از فرهنگ سنتی و ادبی صورت گرفته و کم‌کم، در سال‌های میانی دفاع مقدس، به انتخاب واژگانی از متن جامعه رسیده است؛
- د) در سال‌های پایانی دفاع مقدس، توجه به جنبه‌های عارفانه و عاشقانه، بیشتر نمود یافته و تحت تاثیر اندیشه‌های دینی، نام‌گذاری، شکلی خاص پیدا کرده است؛
- ه) در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس، نام‌گذاری‌ها با نوعی نگاه عرفانی- فلسفی همراه می‌شود و بیشتر، جنبه فردی دارد؛
- و) شاعر در شعرهای بعد از جنگ، از شعایر معمول دفاع مقدس فاصله گرفته و به نوعی درون‌گرایی خاص دست یافته است؛
- ز) نام‌گذاری در شعرهای بعد از جنگ، انتزاعی‌تر می‌شود؛
- ح) حماسه در شعرهای بعد از دوره دفاع مقدس، بسیار کم‌رنگ است و بیشتر شعرها، دل‌نوشته‌های عرفانی شاعر است.

## منابع

- امین‌پور، قیصر (۱۳۶۳). *در کوچه آفتاب*. تهران: نشر حوزه هنری.
- (۱۳۶۴). *تنفس صبح*. چاپ دوم. تهران: نشر حوزه هنری.
- (۱۳۶۵). *طوفان در پرانتز*. تهران: برگ.
- (۱۳۷۲). *آینه‌های ناگهان*. تهران: افق.
- (۱۳۸۱). *گل‌ها همه آفتاب‌گردان‌اند*. تهران: مروارید.
- (۱۳۸۶). *دستور زبان عشق*. تهران: مروارید.
- حق‌بین، فریده (۱۳۸۶). «پیوستار نقش‌های معنایی در زبان فارسی». *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*. س. شانزدهم و هفدهم. ش. ۶۳ و ۶۴. ص. ۹۳.
- خجسته، حسن (۱۳۸۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی رادیو*. ویرایش دوم. تحقیق و توسعه صدا.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان*. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

- شیخ صدوق (۱۳۷۹). *معانی الاخبار*. تصحیح علی اکبر غفاری. جامعه مدرسین.
- فالر، راجر (۱۳۸۶). «زبان‌شناسی انتقادی». ترجمه فرهاد ساسانی. سایت پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، باشگاه اندیشه.
- نیشابوری، ابواسحاق (۱۳۵۹). *قصص الانبیا*. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Fawler, Roger (1991). *Language in the News: Discourse and Ideology in the Press*. London: Routledge.
- Halliday, M. A. K. (1978). *Language and Social Semiotic*. London: Edward Arnold.
- ----- (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- ----- (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. & R. Hasan (1985). *Language, Context and Text: Aspects of Language in Social-Semiotic Perspective*. Victoria Australia: Deakin University Press.
- Halliday, M. A. K. & Mathiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold.